

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

آذرماه ۱۳۹۲ دسامبر ۲۰۱۳

شماره ۸۹

toufan@toufan.org

www.toufan.org

بیانیه حزب کار ایران (توفان)

پیرامون مسئله هسته ای و تسلیم خفت آور جمهوری سرمایه داری اسلامی



کی برد وکی باخت؟

درحاشیه توافق نهایی نشست ۱+۵

تحریم اقتصادی و منافع جناحهای مافیائی

مواضع صریح ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و عدالت خواهانه

وجه مشخصه سندیکای کارگری واقعی است!

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)

در محکومیت اعدامهای جنایتکارانه در ایران



به مناسبت سی و دومین سالگرد اعدام جنایتکارانه رفیق احمد مجلسی



در همبستگی با رضا شهابی و همه فعالین کارگری دربند



دستچینی از چند گزارش کوتاه کارگری از سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

در محکومیت حکم زندان وفا قادری

گشت و گذاری در فیسبوک - پرسش و پاسخی پیرامون احیای سرمایه داری در شوروی

بیانیه حزب کار ایران (توفان)

تسلیم خفت اور جمهوری سرمایه داری اسلامی به صهیونیسم و امپریالیسم جهانی و نقض حق مسلم ایران در مسئله هسته ای

در روز ۳ آذر ماه ۱۳۹۲ خبرگزاری های جهان از توافق بر سر برنامه هسته ای ایران در ژنو خبر دادند. از زمان روی کار آمدن حسن فریدون روحانی از طریق یک انتخابات مهندسی شده، از زمان سیاست "نرمش انقلابی" رهبر جمهوری اسلامی، آقای خامنه ای، از شکل برگزاری نشستهای مذاکراتی با نمایندگان قدرهای جهان و چانه زدن با آنها بر سر منافع ملی ایران، روشن بود که محصول این ممانعت و معانقه طولانی، نوزاد "حرامزاده" ای خواهد بود که به قرارداد کنسرسیوم بعد از کودتای ۲۸ مرداد شبیه است. رژیم جمهوری اسلامی در همان مسیری راه رفت که آخوندهای دربار قاجار رفتند، در همان راهی گام گذاردند که آیت الله کاشانی در زمان ملی کردن صنعت نفت گام برداشت.

البته این "دستاورد" رژیم جمهوری اسلامی همانگونه که حزب ما در گذشته پیشگوئی کرده بود و اسنادش بتدریج منتشر می شود، جدید نیست. این "نرمش انقلابی" از سه سال پیش توسط احمدی نژاد در مذاکرات پشت پرده با آمریکائی ها در مسقط پایتخت عمان صورت گرفته بود. شرط آمریکائی ها بعد از سازشها و انعقاد این تسلیم نامه، جایگزینی احمدی نژاد با نماینده ای از اصلاح طلبان بود. لبخند روحانی و تکیه بر "اصلاحات" باید راه همکاری با امپریالیستها را تسهیل می کرد.

تا همین لحظه که حزب ما در مورد ماهیت این سند نظر می دهد، هنوز برگردان یکسانی به زبان فارسی در دسترس ایرانیان نیست. آنچه توسط پاره ای نثریات و سازمانها و افراد به فارسی برگردانده شده است در استعمال پاره ای واژه ها تفاوتها دارند و این تفاوتها وزن های گوناگونی از نظر حقوقی خواهند داشت و جای تفسیرهای گوناگون را باز می گذارند.

تا همین لحظه معلوم نیست که چه توافقات دیگری در پشت پرده صورت گرفته است و مردم ایران از آن توافقات بی خبرند و امپریالیستها نیز با توجه به منافع خویش در مورد این توافقات محرمانه سکوت اختیار می کنند. نیاز نیست که این توافقات صرفا در مورد مسئله هسته ای ایران باشد. این توافقات می تواند در عرصه پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، تعمیق سیاست های تعدیل اقتصادی، تغییر در سیاست خارجی ایران، در برخورد به مسئله فلسطین، لبنان، سوریه، اسرائیل، عراق، افغانستان، تنگه هرمز، ونزوئلا، بولیوی و... باشد. این توافقات می توانند ایران را به زنده امپریالیسم در منطقه بدل کند. این توافقات نمی تواند بدون اطلاع صهیونیستها صورت پذیرفته باشد و امضاء آنها را نداشته باشد. بازیگری نتانیاهو فقط چاشنی خوش طعم کردن این قرارداد خانانه برای اطعام تبلیغاتی مردم جهان است.

در کشوری که خفقان و سرکوب بر آن حاکم است طبیعتا نمی شود از شفافیت در آن سخن گفت و انتظار داشت که تیم مذاکره کننده ایران در این مدت در مجلس شورای اسلامی گزارش کامل این مذاکرات و دلایل خویش در پذیرفتن این سند رقیب را به بحث افکار عمومی بگذارد. همه رژیمهای مستبد و خونخوار با تشدید سرکوب و اعدامها و با حضور نظامی و انتظامی و گشت نیروهای سرکوب به ایجاد فضائی از ترس و وحشت توسل می جویند، تا تصویب این گونه توافقتنامه ها در مجلس فرمایشی ممکن گردند. از این گذشته نمی توان از نمایندگانی که همه از طریق صافی شورای نگهبان گذشته و فاقد اراده آزاد هستند، انتظار داشت از منافع ملی ایران دفاع کنند. در حالیکه اکثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرارداد را نخوانده مورد تأیید صد درصد خود قرار داده اند و آنرا پیروزی برای ایران دانسته اند، نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفت:

"ما در مجلس هنوز از جزئیات توافق مطلع نیستیم و نمی توانیم قضاوت کنیم؛ زمانی که جزئیات مطرح شد، مطالب را عنوان می کنیم."

و یا حجت الاسلام وحید احمدی در گفت و گو با ایسنا اظهار کرد: "زمانی می توان از توافق هسته ای ایران و ۱+۵ اطلاعات دقیقی کسب کرد که تیم مذاکره کننده کشورمان در مجلس شورای اسلامی حاضر شوند و آنچه در نشستها به صورت توافق مطرح شده را تشریح نمایند."

پس باید پرسید اغلب نمایندگان بله قربان گوئی که این سند را ندیده نخوانده تصویب کرده اند از کجا از مفاد آن خبر داشته اند و از کدام مرجع دستور خیانت گرفته اند؟

مردم ایران باید بدانند که این پیمان یک سند خفت انگیز تسلیم بی قید و شرط است تا امپریالیستها با ادامه سلطه آخوندها در ایران موافقت کنند. این سند همه دستاوردهای مردم ایران را در این مدت، تمام سرمایه های هزینه شده در این عرصه را بر باد داده است و به اوامر استعماری امپریالیسم جهانی گردن نهاده است. و این هنوز از نتایج سحر است. کشور ما ایران هیچ حاصلی از این توافق استعماری ندارد.

حزب کار ایران (توفان) اعلام می کند که هرگز چنین سند ننگینی را به رسمیت نخواهد شناخت و مردم ایران را فرا می خواند که با تصویب این قرارداد خانانه مخالفت کنند و فریب دستگاه تبلیغاتی حسن فریدون روحانی را نخورند. خود مسئولان رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرده اند:

"جمهوری اسلامی ایران سه موضوع را در دستور کار داشته یکی غنی سازی به عنوان حق مسلم ایران، دوم عدم پذیرش تعلیق و عدم توقف و دیگری آمادگی برای بازرسی همه تاسیسات انرژی اتمی برای راستی آزمایی و آنچه امروز به عنوان توافق حاصل شده خارج از این چارچوب نبوده و همه آنها رعایت شده است." (به نقل از خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۲/۰۹/۴).

آیا تیم مذاکره کننده هسته ای به این خواسته ها رسیده است؟ یا برعکس نه تنها به این خواسته ها نرسیده، بلکه خفت هائی را پذیرفته است که ننگ تاریخ ایران است. آوندها می خواهند با روضه خوانی و تبلیغات بر ماهیت این تسلیم نامه پرده استتار بکشند.

حال به تک تک این مسایل بپردازیم:

۱- مقدمه ای بر تفسیر قرارداد:

کسی که متن قرارداد را می بیند که قرارداد از دو بخش تشکیل شده است. بخش موقت و گذرا و بخش جامع. توافقاتی که تا کنون صورت گرفته است مربوط به بخش گذرای قرارداد است و بخش جامع که چماق بزرگ است بعدا می آید. در متن قرارداد در مورد بخش جامع چنین می آید:

"این راه حل جامع متضمن یک برنامه غنی سازی با **تعریف مشترک** و محدودیت های عملی و اقدامات شفاف ساز به منظور تضمین ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای می باشد. این راه حل جامع به مثابه یک مجموعه منسجم خواهد بود که **هیچ بخشی از آن مورد توافق قرار نمی گیرد مگر آنکه در مورد تمامی بخش های آن توافق حاصل شود**"

نخست اینکه راه حل جامع برای غنی سازی که حق مسلم همه کشورهای امضاء کننده معاهده است باید با **تعریف مشترک و یا با توافق طرفین** صورت گیرد. و در ادامه آن می آورند که **هیچ بخشی از آن مورد توافق قرار نمی گیرد مگر آنکه در مورد تمامی بخش های آن توافق حاصل شود**. ناگفته پیداست که تمام تصمیمات آتی این "قرارداد جامع"، دیگر مبتنی بر حقوق منعقد در قراردادهای جهانی و قابل استناد به آنها نیست، بلکه وابسته به طرف امپریالیستی-صهیونیستی است که راضی باشد و یا نباشد. آنها با این حقوق جامع می توانند جلوی فعالیت هسته ای ایران را بگیرند و یا نگیرند، آنها می توانند با توجه به این بندها حقوق ایران را پایمال کنند و یا موارد محدودیت کننده دیگری به آن بیفزایند. کشوری که بر این نحوه تفسیر حقوق خود آنهم از **موضع ضعف و سرشکستگی** گردن نهاده است، طبیعتا باید کلیه اوامر و دیکنه صهیونیسم و امپریالیستها را در چارچوب "راه حل جامع" بپذیرد. حال اگر این توافق صورت نگرفت ایران دیگر در جای اولش، در جایی که قبل از این مذاکرات قرار داشت، نایستاده است، بلکه همه حقوق خود را از دست داده و از نظر سیاسی به قهقرا پرتاب شده است.

لیکن در همان بخش برنامه موقت، رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران به همه خواسته های امپریالیسم و صهیونیسم تن در داده و به آمال مردم ایران برای تامین انرژی برای نسلهای آینده ایران خیانت کرده است. روشن است برنامه غنی سازی جامع که در پیش است، نمی تواند از نظر مفاد و محتوی آن از بخش برنامه موقت عقب تر باشد و خواسته های کمتری را در بر بگیرد. به این جهت هنوز این قصه سر دراز دارد.

در مبارزات تبلیغاتی و تفسیرهای سیاسی قبل از این توافقات کنونی، همواره رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدرستی پافشاری می کرد که انتقال پرونده ایران از آژانس بین المللی انرژی هسته ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد یک اقدام سیاسی بوده و در اثر فشار امپریالیستها صورت گرفته است. در آن زمان بدرستی اشاره می شد که قطعنامه های شورای امنیت بر ضد ایران قطعنامه های غیر قانونی هستند و تحریمهای شورای امنیت و یا تحریمهای کنگره آمریکا و اتحادیه اروپا در تناقض کامل با منشور ملل متحد قرار داشته و اقدامی خصمانه بر ضد یک کشور عضو سازمان ملل متحد محسوب می شوند. حال در متن قرارداد کنونی تمام این حقوق غیرقانونی را برسمیت شناخته و سخنان قبلی خویش را پس گرفته اند و از جمله می آورند:

"این راه حل جامع شامل یک فرایند متقابل و قدم به قدم می باشد و به رفع همه جانبه تمامی تحریمهای شورای امنیت، تحریمهای چندجانبه و تحریمهای ملی مربوط به برنامه هسته ای ایران می انجامد.

در فاصله میان گام های اولیه و گام آخر، گام های دیگری از جمله پرداختن به قطعنامه های شورای امنیت با هدف پایان رضایت بخش بررسی موضوع توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود خواهد داشت."

و در جای دیگر این خواسته ها را به این نحو بیان می کنند:

"عدم صدور قطعنامه های جدید تحریم هسته ای توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد. عدم صدور قطعنامه های جدید تحریم هسته ای از سوی اتحادیه اروپا.

دولت آمریکا، در چارچوب اختیارات قانونی رئیس جمهور و کنگره از تحمیل تحریم های جدید هسته ای خودداری خواهد کرد." تأیید این مسایل برسمیت شناختن حقوق اتحادیه اروپا، کنگره آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل در نقض پیمانهای جهانی و زورگویی به ممالک عضو این سازمان بین المللی است. ایران از تمام ادعاهای خویش گذشته است و این یک شکست روشن سیاسی است.

در قرار داد اتهاماتی به ایران زده شده است که بی پایه و مدرک است. این اتهامات تکرار تبلیغات امپریالیسم و صهیونیسم می باشد و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی همه این اتهامات را پذیرفته و به زیر آن امضاء گذارده است. در این قرارداد می آید:

"در حالی که آژانس، مسئولیت **راستی آزمایی** اقدامات مربوط به موضوع هسته ای را بر عهده خواهد داشت" (تکیه از توفان) به طور ضمنی پافشاری در تحقق حقوق ایران را دروغگوئی اعلام داشته و بر "شک و شبهه" و ادعاهای ممالک امپریالیستی در توجیه نقض حقوق ایران صحه گذارده اند و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران نیز زیر این اسناد امضاء گذارده است. این امضاء حکم تأیید جرم از جانب متهم است.

۲- حق غنی سازی اورانیوم

ما بارها گفته ایم که غنی سازی اورانیوم حق همه ممالکی است که پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای را امضاء کرده اند. تمام ممالک غیر متعهد جهان بارها در نشستهای جهانی بر این حق ایران که حق خود آنها نیز بوده است صحنه گذارده اند. از آنجا که ایران یکی از امضاء کنندگان اولیه این پیمان است طبیعتاً از این حق بدیهی برخوردار است. اعتبار این حق مسلم ایران به تصویب و تأیید امپریالیسم و صهیونیسم و بویژه امپریالیست آمریکا وابسته نیست.

حال اگر کشوری خودش نسبت به حق قانونی و بدیهی که دارد، شک و تردید داشته باشد و یا عمیقاً به آن معتقد نباشد و یا بخواهد از اعتبار این حق قانونی بکاهد و یا آنرا نفی کند، آنوقت آنرا به رای امپریالیستها می گذارد و مدعی می شود که "حق مسلم ایران در غنی سازی" زمانی اعتبار دارد که ممالک امپریالیستی هم بر آن صحنه بگذارند. با این سیاست هر گونه حق مسلمی که در پیمانهای جهانی به ممالک تعلق دارد، وابسته به تأیید زورگویان جهان شده و از درجه اعتبار ساقط است. حقی که بدیهی باشد، نمی تواند اعتبارش به خلق و خوی امپریالیستها و تصمیمات آنها وابسته باشد. آنها نیز چه بخواهند و چه نخواهند باید به این حق احترام بگذارند. ایران اعتبار حق مسلم خویش را به رای امپریالیستها وابسته ساخته است و "پذیرش این حق" از جانب آنها را پیروزی خویش تلقی می کند. آقای حسن فریدون روحانی در سخنان خود بر این پیروزی تکیه کرد. به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا): "... اذعان قدرت های بزرگ به این حق ایران (حقوق هسته ای) از دیدگاه سیاسی بسیار ارزشمند است." (۱۳۹۲/۰۹/۴) و یا اینکه آقای تابش نماینده مجلس جمهوری اسلامی مدعی می شود با بیان اینکه دنیا امروز حق غنی سازی ایران را به رسمیت شناخته: "متن توافق نشان می دهد ما در چارچوب ان پی تی حق غنی سازی داریم."

و یا حجت الاسلام وحید احمدی در گفت و گو با ایسنا اظهار کرد: "مهمترین دستاورد این توافقنامه و مذاکرات این است که جهان به حق غنی سازی ایران اعتراف کرد."

دولت جمهوری اسلامی با هو و جنجال می خواهد حقایق را وارونه جلوه دهد. تیم مذاکره کننده ایران از حق مسلم و بدیهی ایران در غنی سازی اورانیوم دست برداشته و آنرا وابسته به تصمیم قدرتهای جهانی کرده است. رژیم می که به جای استناد به مفاد روشن قرارداد منع گسترش سلاحهای هسته ای به تصمیم و تأیید اوپاما، جان کری و نتانیاهو استناد می کند، باید منتظر باشد که آنها بتوانند به همین اعتبار تصمیمات خویش را عوض کنند. دیگر قانون حاکم نیست، اراده امپریالیسم است که حاکم است.

حق غنی سازی اورانیوم برای مصارف صلح آمیز حق قانونی ایران بوده است. عدم پذیرش آن از جانب امپریالیسم و صهیونیسم بین الملل زورگویی و قلدری و نقض تمام پیمانهای امضاء شده جهانی سازمان ملل است. قدرتهای بزرگ جهان و از جمله صاحبان حق و تو نمی توانند از تحقق پیمانهای منعده در سازمان ملل به بهانه های گوناگون مانع کنند. این ایجاد دو نوع حق در سازمان ملل بوده و بی اعتبار کردن همه پیمانهای جهانی است. زیرا تحقق این پیمانها به خلق و خوی قلدرها و زورگوها وابسته می شود. ادعای ایران که ما این حق را به آنها قبولانندیم و یا اینکه آنها حق ما را به رسمیت شناختند، معنای دیگری ندارد جز این که نماینده جمهوری اسلامی ایران حق اربابان جهان را در نقض پیمانهای جهانی و تحت فشار گذاردن سایر کشورها را به رسمیت شناخته است. آنها از تحقق بی برو برگرد و بی قید شرط پیمانهای جهانی و حقوق طبیعی خود گذشته و آنرا وابسته به زورگویی امپریالیستها کرده اند. کسانی که هم اکنون از حق خود گذشته و حق امپریالیسم و صهیونیسم جهانی را در نقض حقوق ملل و زورگویی و فشار و قلدری به رسمیت شناخته اند، باید به فشار بعدی و نقض پیمانهای بعدی نیز تمکین کنند. آنها پذیرفته اند که هیچ حقی تا زمان موافقت امپریالیسم و صهیونیسم اعتبار قطعی ندارد.

پس می بینیم که جمهوری اسلامی از حقوق مسلم ایران برای غنی سازی اورانیوم صرف نظر کرده است و این انصراف را نمی شود پیروزی جلوه داد.

جالب این است که جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در سخنان تفسیری خویش بر این قرارداد، حتی همین نتایج ساخت و پاخت نفرت انگیز را اساساً منکر آن شده است و بیان کرده اساساً حقی بنام حق غنی سازی اورانیوم در پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای وجود ندارد. به طوری که فرج الله عارفی شگفت انگیزانه در گفت و گو با ایسنا در ۴ آذر ۱۳۹۲، ضمن حمایت از ظریف وزیر امور خارجه، اظهار داشته: "نمی دانیم آنچه که درباره توافقنامه در خبرگزاری های غربی و سخنان اوپاما و وزیر امور خارجه امریکا مطرح شده، شبیخت است یا واقعیت دارد و به صحت مطالب مطرح شده از سوی آنها واقف نیستیم."

این اقدام آگاهانه اوپاما و جان کری هشدار می دهد که ما حتی امضاء خود را قبول نداریم و برای حقوق کسی کوچکترین ارزشی قابل نیستیم. آنها تأیید می کنند که حرف آخر را منافع امپریالیستها تعیین می کند و می شود صدها قرارداد بی پشتوانه نیز امضاء کرد و به آن عمل نکرد. واقعیت آن است که زبان گلوله زبان حق است و تنها زبانی است که همراه با چاشنی تهدید از حلقوم امپریالیسم بیرون می آید.

**رو قوی شو اگر راحت جهان طلبی
که در نظام طبیعت ضعیف پایمال است.**

۳- عدم پذیرش تعلیق و عدم توقف

یکی دیگر از خواستهای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که تحقق پیدا نکرده است، عدم پذیرش خواست تعلیق است. تمام مفاد قرارداد نشان می دهد که رژیم ایران به خواست تعلیق امپریالیستها تن در داده و از حقوق خود گذشته است. این تسلیم بسیار آگاهانه و نه در اثر اشتباه صورت گرفته است، زیرا رژیم کوشیده و از هائی بیاباد و در متن قرار داد بگنجانند که توسط آن بتواند افکار عمومی مردم ایران را فریب دهد. حال به این نکات توجه کنید:

"نیمی از اورانیوم موجود غنی شده ۲۰ درصد را به صورت اکسید ۲۰ درصد برای تولید سوخت راکتور تحقیقاتی تهران ذخیره نماید. بقیه ۲۰ درصد (Uranhexafluorid) UF6 را به مواد کمتر از ۵ درصد رقیق نماید. خط برگشت پذیر نیز وجود نداشته باشد."

این توافق به آن معناست که ایران غنی سازی ۲۰ در صدی را نه تنها معلق، بلکه از آن برای همیشه بجز استفاده در مورد استثنائی راکتور تحقیقاتی دانشگاه تهران، صرف نظر می کند. در بند بعدی می آورد:

"ایران اعلام می کند که برای این دوره ۶ ماهه، اورانیوم را به سطح بالاتر از ۵ درصد غنی سازی نکند."

مفهوم این اظهار نظر این است که طرف ایرانی، غنی سازی اورانیوم بیش از ۵ درصد را در عرض این ششماه معلق می کند و البته همانطور که در قرارداد ذکر شده در توافق جامع که باید مورد تأیید صهیونیسم و امپریالیسم باشد، جایی برای غنی سازی بیشتر در آینده باقی نمی ماند. حال به بند مورد توافق بعدی مراجعه کنیم:

"ایران اعلام می کند که فعالیت های خود در تاسیسات سوخت هسته ای نطنز، فردو و یا راکتور اراک را که توسط آژانس با نام IR-40 شناسایی می شود، بیش از این گسترش نخواهد داد."

معنی "بیش از این گسترش نخواهد داد" یعنی اینکه آنها را تعطیل می کند که چیزی حتی بیش از تعلیق فعالیت آنهاست. وقتی امری در دوران توافق قرارداد موقت مورد تأیید دو طرف قرار می گیرد، حتما در زمان انعقاد قرارداد جامع به قوت خود باقی می ماند، اگر تازه شرایط بدتری بر آن مترتب نگردد. جمهوری اسلامی واژه "تعطیل" را با "قطع گسترش بیشتر" جایگزین کرده است. از همین نمونه های روشن بر می آید که ایران به تعلیق و تعطیل تولید اورانیوم تن در داده است و بازی با واژه ها نمی تواند این امر را پنهان کند.

رژیم جمهوری اسلامی تمام فعالیتهای هسته ای و پژوهشی را در فردو و اراک تعطیل کرده است و میلیاردها دلاری را که ملت ایران برای دستیابی به فن آوری علمی و غنی سازی اورانیوم و عدم وابستگی به انرژی فسیلی هزینه کرده است، برباد داده است. رژیم جمهوری اسلامی این اتهام را که تاسیسات اراک با آب سنگین و تولید پلوتونیوم تنها برای ساختن بمب اتمی بکار می رود پذیرفته و بر تمام ادعاهای قبلی خویش تا به امروز قلم بطلان کشیده است. مگر اسرائیل، ژاپن، کره جنوبی، آلمان، جمهوری چک، اوکراین، آرژانتین، برزیل، کانادا و... پلوتونیوم در اختیار ندارند؟ چرا کسی به آنها ایرادی نمی گیرد؟ چرا باید تنها پلوتونیوم ایران محصول دو منظوره باشد و برای ساختن بمب اتمی بکار رود؟ در حالیکه میله های سوخت ناشی از تولید پلوتونیوم اقتصادی تر، و مشکلات ناشی از انبار کردن تفاله های اتمی را کاهش می دهد.

رژیم جمهوری اسلامی به صراحت به این "نرمش انقلابی" و نوشیدن جام زهر اشاره نمی کند، بلکه از در عقب وارد می شود و در زمینه توافقاتی که باید صورت گیرد می نویسد:

"شامل همکاری بین المللی هسته ای غیر نظامی باشد، که این همکاری ها از جمله در خصوص دستیابی به راکتورهای مدرن آب سبک قدرت و تحقیقاتی و تجهیزات مرتبط و نیز عرضه سوخت هسته ای مدرن و برنامه های تحقیق و توسعه (R&D) مورد توافق می باشد."

به زبان روشن دولت جمهوری اسلامی تأیید می کند که تاسیسات هسته ای اراک اهداف نظامی دارد و ایران در آینده از خیر این تاسیسات می گذرد، زیرا قصد ندارد اهداف نظامی را دنبال کند و از این گذشته نیروگاههای آب سبک برخلاف آب سنگین که تولید پلوتونیوم می کند در خدمت اهداف نظامی نیست و ایران از تولید تاسیسات تولید آب سنگین صرف نظر کرده آنرا تعطیل می کند.

۴- آمادگی برای بازرسی همه تاسیسات انرژی اتمی

این ادعا که آژانس بین المللی انرژی اتمی حق ندارد از تاسیسات هسته ای ایران بازدید کند دروغ امپریالیستها و صهیونیستها بود. این آژانس حق ندارد از تاسیسات اتمی آمریکا و اسرائیل و انگلستان و فرانسه بازدید به عمل آورد، ولی در مورد ایران همیشه این کار را کرده بودند و برای نظارت بیشتر حتی دوربینهای کنترل نیز نصب کرده بودند. واقعیت این بود که این آژانس به عنوان عامل جاسوسی امپریالیستها و صهیونیستها عمل می کرد. جاسوسانی که در داخل این هیاتهای نمایندگی بودند اسامی بر ملا نشده دانشمندان اتمی ایران را به سازمانهای جاسوسی می دادند تا آنها را ترور کنند. اطلاعات مربوط به تاسیسات اتمی را در اختیار سازمان سیا و موساد قرار می دادند تا به چرخهای سوخت اتمی ایران از طریق شبکه مجازی حمله ور شوند و آنها را از کار بیاندازند. همه این اقدامات، غیر قانونی و ضد بشری بود، و سازمان انرژی اتمی به روی خود نمی آورد. آنها بر اساس مواد مندرج در پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی حق داشتند از تاسیسات هسته ای ایران بازدید کنند. مشکل آنها استفاده از این حق نبود، آنها حقوقی بیش از آن می خواستند که در پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای درج شده است.

در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی به مدت طولانی غنی سازی اورانیوم معلق شد و خسارات زیادی به ایران وارد آورد. در دوران خاتمی پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای از طرف ایران امضاء شد که یک سند خائنانه برای نقض حق حاکمیت ملی همه کشورهاست. این سند خائنانه در دوران احمدی نژاد با همین استدلالی که به آن اشاره رفت از دستور کار خارج شد و مجلس فرمایشی نیز حاضر نشد این پروتکل خائنانه را به تصویب برساند. در آن زمان آقای روحانی کنونی مسئول تیم مذاکره کننده ایران بود. حال با کمال شگفتی می بینید که مجدداً جمهوری اسلامی اجرای این پروتکل خائنانه را در متن قرار داد پذیرفته و به زیر آن صحنه گذارده است. در متن قرارداد موقت می آید که ما در چارچوب قرارداد جامع به این خیانت تن خواهیم داد:

"اقدامات شفاف ساز و با نظارت بیشتر مورد توافق را به طور کامل به اجرا درآورد. پروتکل الحاقی در چارچوب اختیارات رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی تصویب و به اجرا درآید."

این پروتکل نقض حاکمیت ملی ایران است. این پروتکل که رژیم جمهوری اسلامی ماهیت آنرا برای مردم روشن نمی کند، این حقوق را به جاسوسان و بازرسان آژانس بین المللی انرژی هسته ای می دهد، تا هر زمان، با هر چند نفر، هر جا که خواستند را بدون اطلاع قبلی به دولت ایران بازرسی کنند و دولت ایران حق ندارد مانع فعالیت آنها شود. این بدان معناست که ایران هرگز جای سرّی و سر پوشیده و نظامی و امنیتی مستقل نخواهد داشت. دل و روده ایران در دست سازمانهای جاسوسی است تا از پیشرفتهای فنی و نظامی و علمی ایران سر در آورند. این همان بلایی بود که به سر صدام حسین در آوردند. چنین خیانتی در تاریخ ایران قابل بخشش نیست.

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی حتی به اعتراف خودش به هیچکدام از خواستههایش نرسیده است. بر تمام ادعاها و خواستههای صهیونیسم و امپریالیسم صحنه گذارده است و در مقابل چه چیزی دریافت کرده است؟ هیچ چیز.

تحریمهای غیر قانونی به قوت خود باقی می ماندند. امپریالیست آمریکا بخشی از ثروت ایران را که بطور غیر قانونی مصادره کرده است ذره ذره پس می دهد و بر هزینه کردن آن نظارت می کند. این پولها باید خرج خرید کالاهای مورد نیاز از بازارهای امپریالیستی شود. اساسا معلوم نیست که این پولها به ایران داده خواهد شد یا خیر. امپریالیستها آنها را برای خرید کالاهای مورد نیاز ایران به ابر شرکتهای امپریالیستی داده و پولش را به جیب خود می ریزند. آنها به صراحت می آورند که تنها به رفع تحریمهای زیر، بتدریج و تحت نظارت امپریالیستی که مضمومش همان گروکشی و فشار است تن خواهند داد:

" تعلیق تحریمهای آمریکا بر صنعت خودرو و تعلیق تحریمهای خدمات مرتبط.

صدور گواهی عرضه و نصب قطعات یدکی برای ایمنی پرواز هواپیماهای غیرنظامی ایران و خدمات مرتبط.

صدور گواهی بازرسیهای مرتبط با ایمنی و تعمیرات در ایران و همچنین خدمات مرتبط".

امپریالیستها در عین حال در ادامه سند اعتراف می کنند که مواد غذایی و داروهای مورد نیاز ایران را تحریم کرده بودند که ناگفته پیداست، ربطی به ساختن بمب اتمی ندارد. این اعتراف آشکار، بیانگر درجه توحش امپریالیسم جهانی است که برای گرسنگی دادن به مردم ایران به تئوری "ممنوعیت صدور کالاهای دو منظوره" توسل می جست و می جوید. در متن قرارداد تحت عنوان: "تعلیق تحریمهای آمریکا و اتحادیه اروپا بر:" می آید:

"یک کانال مالی به منظور تسهیل تجارت امور انساندوستانه برای تامین نیازهای داخلی ایران با استفاده از درآمدهای نفتی ایران در خارج از کشور ایجاد خواهد شد. تجارت امور انساندوستانه شامل مرادفات تجاری مرتبط با تولیدات غذایی و کشاورزی، دارو، تجهیزات دارویی و مخارج پزشکی بیماران خارج از کشور خواهد بود. این کانال مالی شامل بانکهای خارجی مشخص و بانکهای ایرانی غیر تحریم شده خواهد بود که به هنگام ایجاد این کانال مالی مشخص خواهند شد."

این کانال مالی "انسانی" که بی شباهت به همان کانال مالی "انسانی"، "نفت در مقابل غذای" عراق در سازمان ملل نیست، با همان انگیزه تاسیس شده و همچنین سایر مواردی را در بر می گیرد که امپریالیستها تا کنون بر روی آن با همدستی عمال ایرانی خود، سرپوش می گذاشتند و منکر آن می شدند. این اقدامات "انسانی" نشانه توحش و بربریت امپریالیستهاست. در همان سند ذکر می کنند:

"نقل و انتقالهای مالی مورد نیاز برای پرداخت تعهدات ایران به سازمان ملل متحد.

پرداخت مستقیم شهریه به دانشگاهها و دانشکدهها برای دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج از کشور تا مبلغ توافق شده برای

یک دوره شش ماهه."

می بینیم که امپریالیستها حسابهای بانکی ایرانی ها را مسدود کرده و آنها را در تمام دنیا به امان خدا رها کرده بودند. حال حاضرند این اربابان جهان، این پولها را به حساب دانشگاه های خودشان، بدون دخالت دست ایران، واریز نمایند. اینکه دانشجویان ایرانی خود نیز برای تامین معاش، اساسا ارزی دریافت خواهند کرد در این قرارداد به چشم نمی خورد. مبلغی نیز که به صندوق سازمان ملل متحد می ریزند در خدمت آقای بان کی مون، خدمتگزار وفادار خودشان است و چیزی از آن به ایران نمی رسد. در یک کلام امپریالیستها بدهکاری های ایران به خودشان و ساختارهای اداری خودشان را پرداخت می کنند که خسارتی به آنها وارد نشود.

در یک کلام ملت ایران میلیاردها دلار هزینه کرده و بهای سنگینی برای پیشرفت و کسب فناوری مدرن و تامین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و حفظ غرور ملی خود پرداخته است و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با یک چرخش قلم، فقط برای اینکه بر سر کار بماند و قدرت سیاسی را برای حفظ مافیای قدرت در دست داشته باشد، بر باد داده است. رژیمی که به ملتش تکیه نکند، شفافیت در کارش نباشد، نمایندگان فرمایشی به مجلس بفرستد که قادر نیستند به اظهار نظر آزاد و بدون واهمه بپردازند و بر سر مصالح مردم ایران آزادانه و دموکراتیک بحث کنند، رژیمی که مانع شود تا احزاب آزاد وجود داشته باشند و به اظهار نظر بپردازند، رژیمی که بخواهد قرارداد کنسرسیوم نوین را در سایه مخوف سرکوب و اعدام و شکنجه به تصویب برساند، سرانجام مجبور است به آغوش امپریالیستها برود و با آنها همدستی کند.

البته در ایران مشتبی فریب خورده "اصلاحات" وجود دارند که درجه آزادی یک ملت را با تعداد موهای بیرون از روسری اندازه می گیرند و فقط برای داوری، به تغییرات ظاهری، فردی و خصوصی و نه اجتماعی دل بسته اند. مشتبی ایرانی خودفروخته نیز وجود دارد که تحقق "اصلاحات" را به معنی شرکت خودشان در حکومت و کسب حق حیات برای خودشان، نه برای ملت ایران تصور می کنند. این عده بر این سند نکتبار صحنه خواهند گذارد.

بیچاره اما آن اپوزیسیون خود فروخته ایران که اساسا حق مسلم ایران در غنی سازی اورانیوم را به رسمیت نمی شناخت و بر دروغهای امپریالیسم و صهیونیسم و بمب اتمی موهومی ایران صحنه می گذارد. آنها یا سکوت خواهند کرد و یا ناچارند برای اوباما و نتانیاهو کف بزندان که آرزوی این اپوزیسیون خود فروخته ایران را برآورده کرده اند.

حزب کار ایران (توفان)

۴ آذر ۱۳۹۲

www.toufan.org
toufan@toufan.org

کی برد وکی باخت؟

در حاشیه توافق نهایی نشست ۱+۵

دوشنبه ۴ آذر



حزب ما بارها تحلیل کرده است که امپریالیسم آمریکا سالهاست سیاستش را در مورد ایران تعیین نموده است. نوشتیم که آنها از ایران یک کشور نیمه مستعمره مانند زمان شاه می خواهند. آنها کشوری می خواهند که... ژاندارم منطقه شده و همدست امپریالیسته آمریکا باشد. آنها ایرانی می خواهند مخالف چین و روسیه و در زمان مناسب مخالف هند و ژاپن و شاید اروپا تا آمریکا بتواند بر گلوگاه نفت جهان دست داشته باشد و پیچ آنرا شل و سفت کند و ایران را در گزینش سیاست راهبردی خویش در اقیانوس آرام در دهه آینده در کنار خود داشته باشد و نه در کنار چین. آنها مشکلمان بر خلاف ادعاهای ایرانی های فریب خورده و جاهل و یا خود فروخته غنی سازی اورانیوم نیست. اینها همه بهانه است. در زمان خاتمی دو سال این غنی سازی با خواست آمریکا به تاخیر افتاد و ایران به خواست آمریکا برای امضاء پروتکل الحاقی که یک پیمان استعماری است تن داد..... مگر رفسنجانی با سیاست تعدیل اقتصادی و باز گذاردن دست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در ایران و اجرای خواستهای سازمان تجارت جهانی به خصوصی سازی مالکیت های عمومی مردم ایران دست نزد و نفت ایران را با پوشش شرکتهای خصوصی پاسدارن مافیائی خصوصی نکرده است و... پس چرا آمریکا از این "فرصتهای مناسب" برای عادی کردن روابط با ایران استفاده نکرد و مدام ایران را تهدید به حمله نظامی نمود و سرانجام به تشدید تحریمهای اقتصادی دست زد؟ غیر از این نیست که امپریالیست آمریکا هدفش از این همه زورگوییها پایمال کردن حقوق قانونی ایران و در نهایت تغییر رژیم و به نیمه مستعمره تبدیل کردن ایران است.

رژیمی که امروز به رهبری خامنه ای و روحانی و دارودسته رفسنجانی به پای میز مذاکره رفته اند از نتایج نهایی ۱+۵ بر طبل پیروزی می کوبند، خیانت پیشه گانی هستند که پس از ۳۴ سال سرکوب خونین جنبش مردم و فریب و ریاکاری و ژرفش بحران اقتصادی، دزدی و فساد و فقر و نارضایتی شدید عمومی در ضعیفترین شرایط ممکن و ترس از طغیان محرومان جامعه و برای نجات کشتی به گل نشسته اش، با شتاب به استقبال مذاکره (بخوانید مذاکره با امپریالیست آمریکا!) رفته است. حال اگر در چنین شرایطی انتظار دیگری جز نتایج بدست آمده از مذاکره اخیر داشته باشیم، در اشتباهیم. باید پرده از چهره این ناپکاران حاکم که از سیاست "برد برد" سخن میگویند درید و بر باخت فصاحت بار ایران و تن دادن به زورگوییهای امپریالیست آمریکا و شرکایش که تجارب کافی در به زانو درآوردن رژیمهای "یاغی"... دارند انگشت گذاشت و او را محکوم نمود. از رژیم که همه مردم ایران را به گروگان گرفته و رزمنده ترین عناصر طبقه کارگر را در سیاهچالهای اوین و کرج... مورد شکنجه و سرکوب قرار داده و میدهد انتظاری جز خیانت به منافع ملی مردم ایران نیست.

سخن هفته

نقل از فیسبوک توفان



تحریم اقتصادی و منافع جناحهای مافیائی

در ایران جناحی از روحانیت و محافل با نفوذ و پر قدرت پنهان، از تحریمهای اقتصادی بر ضد مردم ایران مسرورند، زیرا سودهای نجومی با احتکار مواد غذایی و دارو به جیبهای آنها سرازیر می شود. "برادران قاچاقچی" از اسکله های پنهانی و غیر قانونی کالاهای خصوصی مافیای در قدرت را بدون گمرک و حساب و کتاب به بازارها وارد کرده و موجبات ورشکستگی کارخانجات را فراهم می آورند و سودهای هنگفت می برند. این عده در کنار اپوزیسیون خود فروخته و "انقلابی" ایران در خارج که فکر می کند تحریم موجب انقلاب نوع آمریکائی است، موافق ادامه تحریم اند. شعارهای "ضد امپریالیستی" و "ضد صهیونیستی" آنها در خدمت ادامه تحریمها و افزودن به ثروتهای باد آورده است. جناحی موافق برداشتن تحریمها به هر بهائی است، زیرا این اقدام هجوم سرمایه های امپریالیستی را به ایران تسهیل می کند و سیاست تعدیل اقتصادی را بر مبنای زیرین به نفع جهانی شدن سرمایه و سیاست نئولیبرالیسم تاجریم تکمیل می کند. باید شرایط به نفع سود دهی حداکثر سرمایه های خارجی تغییر کند. یعنی یارانه ها به کلی حذف شود، بهای مواد سوخت در بازار آزاد، به طور سرسام آور افزایش یابد. باید نیروی کار، به اسارت در آید و فقر و فلاکت برای تشدید درجه استثمار و تن دادن به هر درجه از فشار افزایش یابد، باید قوانین کار به نفع سرمایه داران و برده کردن کارگران، بدست مجلس شورای جمهوری اسلامی تغییر کرده تا شرایط برده داری سودآور بر شالوده فقر و بدبختی ملت فراهم گردد، باید سیاست خصوصی سازیهای بی حد و حصر، خصوصی سازی منابع اولیه و نفت و گاز، فاضلاب و برق و آب، شرکتهای هوایی و دریائی، با خصوصی سازی بنای صنایع زیر بنائی، با تلفیق سرمایه های سرمایه داران ایرانی با ابرشرکتهای امپریالیستی برای غارت بی در و پیکر ایران، کامل شود. باید ملاحظات زیست محیطی بدور افکنده شود و دولت کارگزار بر نظم درون کارخانه ها حراست کند. باید تحصیل پولی و خصوصی شود و فقط فرزندان آقازاده ها حق استفاده از ثروتهای طبیعی ایران را داشته باشند و... تا ایران به دامن "جامعه جهانی" ??? بازگردد. به زبان غیر دیپلماتیک تا ایران توی بغل امپریالیسم جای گیرد و به حلق آنها فرو رود.

جناحهای مافیائی به جان هم افتاده اند تا هر کدام به بهترین نحوی جیب خود را پر کنند. آقازاده ها با دزدیهای کلان به مردم فخر می فروشند و مظاهر دزدی و فساد را به نمایش می گذارند. به نظر نمی رسد که رژیم جمهوری اسلامی از این خفت کمر راست کند. فشار از جانب امپریالیستها و صهیونیسم، فشار از جانب مردم و نزاع مفتخورها و فاسدها و آدمکشهای در قدرت که در قتلهای زنجیره ای و کشتار زندانیان سیاسی دست داشتند وضعیت پیچیده ای را ایجاد کرده است که مسیرش در جهت تامین منافع امپریالیستها در ایران خواهد بود. رژیمی که به مردمش تکیه نداشته و دستاوردهای انقلاب را نابود کرده ناچار است مجددا نوکری امپریالیسم را بپذیرد و به ژاندارم منطقه بدل شود

توفان

سخن هفته

نقل از فیسبوک حزب کار ایران (توفان)

دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۲



مواضع صریح ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و عدالت خواهانه وجه مشخصه سندیکای کارگری واقعی است!

سندیکای کارگری تشکلی صنفی و طبقاتی است که اصلی ترین وظیفه آن دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی کارگران است. البته این به آن معنا نیست که سندیکا از مسائل سیاسی کاملاً برکنار است. در دنیای امروز و بویژه در کشور استبداد زده ایران هیچ سازمان صنفی نمی تواند از منافع صنفی خود دفاع کند، مگر آنکه با یک سلسله سدها و موانع گوناگون حاکمیت استبدادی از طرفی و مداخله گریهای امپریالیستی در عرصه های مختلف اقتصادی و سیاسی روبرو گردد و در برابر آنها موضع صریح و قاطع اتخاذ نماید.

به عنوان نمونه پروسه تئوین قانون کار و تصویب و تغییرات دائمی آن را در طی ۳۴ ساله بعد از انقلاب در نظر بگیرید تا تاثیرات عمیق مواضع ارتجاعی سیاسی باند های مافیائی و جناحهای مختلف حاکمیت استبدادی از طرفی و تاثیرات سیاستهای نئولیبرالیستی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی و همچنین تاثیر تحریمهای کشورهای امپریالیستی و تهدیدات نظامی آنها را در این رابطه برایتان تداعی کند. فقط در همین رابطه مشخص هزاران نفر از فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو با اتهامات سیاسی و نه صنفی اخراج و زندانی و شکنجه و دهها نفر اعدام شدند و زندگی میلیونها کارگر و خانواده آنها تحت تاثیر این قوانین که ظاهراً به روابط کار می پردازد و صنفی است، قرار گرفت.

برای همه فعالین جنبش کارگری و سندیکائی ایران به صورت ملموس و عینی مشخص است که هر چند تشکل سندیکائی قرار نیست و نمی تواند نقش حزب سیاسی طبقه کارگر را ایفا نماید و وظایف آنرا عهده دار شود ولی در ضمن نمی تواند بدون تحلیل علمی از وضعیت سیاسی و اقتصادی جهان و منطقه و کشور و داشتن مواضعی روشن و صریح در عرصه های مختلف به وظایف مشخص خود عمل کند.

امروز مردم کوچه و خیابان و حتی زنان خانه دار در ایران هم به تجربه دریافته اند که تحولات سیاسی و اقتصادی و بحران و جنگ در گوشه و کنار جهان و منطقه، در وضعیت معیشتی آنها تاثیر گذار است؛ چیزی را که متأسفانه اکثرآ تشخیص نمی دهند و فریب می خورند، جهت تاثیر این تحولات در رابطه با منافع مشخص طبقاتی آنهاست. مثلاً سیاستمداران و اقتصاددانان نئولیبرالیست حکومتی و اپوزیسیون ارتجاعی و نوکر امپریالیستها، خصوصی سازی هرچه بیشتر ثروتهای اجتماعی و برداشتن تعرفه های گمرکی و حذف سوبسیدها و عدم حمایت از جنبش های استقلال طلبانه و تسلیم بی قید و شرط شدن به زور گوئی ها و اجحافات امپریالیستها را راه نجات از وضعیت بحرانی اقتصادی و سیاسی معرفی می کنند، در صورتی که یکی از عوامل اصلی بحران اقتصادی فعلی بخصوص در رابطه با ورشکستگی صنایع و کشاورزی و گسترش بیکاری و فقر و وضعیت دهشتناک معیشتی طبقه کارگر و زحمتکشان همین سیاستهای نئولیبرالیستی است که طی ۲۴ ساله گذشته بطور پیگیر دنبال شده است. یا در مورد تحریمهای اقتصادی و نفتی و بانکی کشورهای امپریالیستی و تاثیر آن، اپوزیسیون دست راستی و امپریالیستها چنین تبلیغ می کنند که علت این تحریمهای اقتصادی و تهدیدات نظامی و تاثیرات آن در زندگی مردم نه ناشی از ماهیت امپریالیسم و سیاستهای راهبردی آنها در منطقه، بلکه ناشی از سیاستهای بنیادگرائی اسلامی و یا تقابل میلیتاریسم و اسلام سیاسی است و چنین تبلیغ می کنند که اگر حاکمیت ایران، اسلامی و ارتجاعی نبود و یا مسئله پرونده هسته ای نداشت و یا مداخلات جمهوری اسلامی در سایر کشورها نبود مشکل تحریمها و تهدیدات نظامی را نداشتیم؛ ولی واقعیت این است که نه بنیادگرائی اسلامی و نه مسئله هسته ای و نه دخالتهای جمهوری اسلامی عامل این تحریمها و تهدیدات نیست بلکه عامل اصلی، سیاست راهبردی " خاورمیانه بزرگ " امپریالیسم آمریکا در منطقه است. چرا که رژیمهای عربستان سعودی و شیخک های جنوب خلیج فارس به مراتب فئاتیک تر و مرتجع تر از جمهوری اسلامی هستند و هیچ مشکلی هم با امپریالیستها ندارند و یا اینکه رژیم سکولار صدام حسین و بشار اسد که بنیادگرا نبودند چرا مورد تهاجم و مداخله گری قرار گرفتند. قذافی تمام تاسیسات هسته ای خود را نابود کرد و همه شرایط آنها را پذیرفت اما باز هم مورد تهاجم و اشغال قرار گرفت. امپریالیستها چرا با مداخلات عربستان و قطر و آدمخوران مزدور آنها در عراق و سوریه و لیبی مشکلی ندارند؟ بنابراین می بینیم همه این حقایق نشاندهنده این است که اقداماتی که در راستای منافع امپریالیستها یا مخالف با منافع آنهاست، تعیین کننده سیاست آنها در قبال کشورهای منطقه است.

مشخص کردن صف دوستان و دشمنان طبقه کارگر در عرصه داخلی و خارجی و مواضع روشن داشتن در این عرصه به پیشروی و تحکیم و تقویت صفوف جنبش کارگری کمک می کند. رهبری جنبش سندیکائی که با بینشی علمی و طبقاتی مسائل جنبش را مورد ارزیابی قرار داده و موضعگیری می کند باید توجه داشته باشد که همه جریاناتی که در عرصه داخلی و خارجی مخالف جمهوری اسلامی هستند، دوستان طبقه کارگر و زحمتکشان ایران نمی باشند. باید مراقب بود در دام اپوزیسیون ارتجاعی نوکر، جاسوس و عامل امپریالیسم نیفتاد. طبقه کارگر ایران باید بداند نئولیبرالیستهای سبز پوش طرد شده از حاکمیت، سلطنت طلبان و مجاهدان ضد خلق جاسوس و جیش العدل و الاهواز و پژاک و سایر تجزیه طلبان عامل امپریالیسم، دشمنان طبقه کارگر هستند و منافع طبقه کارگر نه تنها هیچ سختی با آنها ندارد، بلکه دقیقاً در تقابل با آن قرار دارد. باید مراقب بود تحت عنوان دفاع از حقوق بشر دامی برایمان تدارک ندیده باشند که به نفع دشمنان طبقاتیمان موضعگیری کنیم.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)

در محکومیت اعدامهای جنایتکارانه در ایران

اعدام خوب اعدام بد



موج اخیر اعدامهای نفرت انگیز و ضد بشری در ایران نشانه ورشکستگی نظام منحوس جمهوری اسلامیست که از همه سو خود را در محاصره می بیند و برای بقای خویش دست به هر جنایتی میزند. برای جمهوری اسلامی مهم نیست که افراد مخالف سیاسی از کدام خطه ایران و دارای چه ملیت و قومیت و مذهبی... هستند. مهم این است که چه کسی خواهان براندازی رژیم اوست. اگر افشین اسانلو کارگر شریف عضو اتحادیه اتوبوسرانی تهران در زندان به قتل میرسد نه بخاطر فارس و یا آذری و کرد... بودن اوست، بلکه بخاطر سازماندهی او علیه نظام سرمایه داری جمهوری اسلامیست که حقوق کارگران را پایمال میکند و تشکل کارگران را مرگ خویش می بیند. رژیم جمهوری اسلامی دشمن همه مردم ایران است و همانطور که تاکنون نشان داده است هیچ اعتراض و تشکلی را بر نمی تابد. اعدامهای تلافی جویانه ۱۶ زندانی بلوچ و یا چند زندانی کرد سواى ماهیت سیاسی این زندانیان ادامه اعدامهای سی و چند ساله اخیر در ایران است و باید شدیداً محکوم گردد. اما آنها که پایشان در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم می لنگد و در مقابل کشتار ۲۰ نفر از سربازان ایران توسط عوامل آدمخوار القاعده که مورد حمایت عربستان و قطر و آمریکا و اسرائیل هستند... سکوت میکنند و از محکوم کردن آن اجتناب میورزند، در مبارزه شان برای حقوق دموکراتیک مردم ایران و ایرانی یک پارچه و متحد صمیمی نیستند. بسیاری از این محافل سیاسی حتی بیشتر مانده از عملیات تروریستی این جریانات که سر نخشان در دست امپریالیست است به دفاع بر میخیزند. چنین افراد و جریانات سیاسی در مبارزه علیه رژیم اسلامی همدست امپریالیستند و شعار لغو اعدامشان یک شعار قلبی و ارتجاعی و امپریالیست پسند است و بس.

تعداد اعدامهای در ایران شامل اعدامهای شناخته شده با پوشش قضائی نیست همه قتلهای سیاسی زنجیره ای نیز اعدام است. کشتار مردم فلسطین و لبنان و لیبی و عراق و افغانستان نیز اعدام است. کسانی که از جنگ نیابتی در سوریه دفاع میکنند و از قتل عام مردم فلسطین و لبنان و عراق و افغانستان... توسط صهیونیستها و امپریالیستها حرف نمی زنند صمیمانه خواستار لغو حکم اعدام نیستند. آنها لغو حکم اعدام را از یک پرچم انسانی به مسلسل یوزی اسرائیلی بدل کرده اند.

آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!
مرگ بر امپریالیست آمریکا و عوامل ریز و درشتش!

نقل از فیسبوک توفان

سخن هفته

آبان ماه ۱۳۹۲

دست جلادان از زندانیان سیاسی کوتاه باد!

به مناسبت سی و دومین سالگرد اعدام جنایتکارانه رفیق احمد مجلسی عضو کمیته مرکزی



رفیق احمد مجلسی، ۳۶ ساله، استاد دانشگاه، متاهل، دارای فرزند، فعالیت سیاسی خویش را از "سازمان مجاهدین خلق ایران" شروع کرد. وی بعد از ایجاد ارتباط با رفقای "سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان" که در ایران فعالیت می کردند، با دانش مارکسیسم لنینیسم آشنا شد، از "سازمان مجاهدین خلق ایران" جدا گردید و به عضویت "سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان" در چند سال قبل از انقلاب در ایران درآمد. وی در آن زمان جزوه ای بنام "مشی چریکی و احیاء حزب طبقه کارگر" نوشت و در اختیار سازمان قرار داد که "سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان" آنرا تحت عنوان نشریه شماره ۵۲ خویش منتشر نمود. در این جزوه وی به انتقاد سخت از مشی انحرافی چریکی پرداخت و لزوم احیاء حزب طبقه کارگر ایران را مورد تاکید قرار داد. این رفیق در زمانی که عضو "سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان" بود، در زمان هجوم ساواک و ضربه زدن آنها به "سازمان مجاهدین خلق" به علت ارتباطات گذشته اش ورد پاهائی که ساواک پیدا کرده بود، دستگیر شد و به زندان افتاد. ساواک نتوانست در دوران اسارت وی به افکار نوین اش پی ببرد. وی به خاطر نزدیکی با رفیق فواد سلطانی و رفقای که بعداً تشکیلات کومله را بنیان گذاشتند، با آنها فعالیت و ارتباط نزدیک داشت و توسط رفقای ما در "کمیته اطلاعات اتحادیه دهقانان مریوان و اورامان" فعال بود. وی جزوه ای بنام "ریشه اجتماعی و زمینه قبلی حادثه خونین مریوان" در اختیار "سازمان کارگران مبارزه ایران" قرار داد که منتشر شد. در اثر فعالیتهای این رفیق "سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان" توانسته بود در غرب ایران به سازماندهی در شهرهای همدان، خرم آباد، ملایر، بروجرد و مریوان بپردازد.

وی بعد از انشعاب در "سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان"، در داخل ایران "سازمان توده زحمتکشان" را ایجاد کرد، که بعداً در نخستین کنگره اش نام خود را به "سازمان کارگران مبارز ایران" تغییر داد. وی عضو کمیته مرکزی این سازمان بود.

رفیق مجلسی رابط با کومله بود و سرانجام نیز در سر قرار با رفقای کومله دستگیر شد و لو رفت. وی در تابستان سال ۶۰ در اصفهان تیرباران شد و تا آخرین روز زندگی به مارکسیسم-لنینیسم وفادار ماند.

ننگ و نفرت بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
یادش گرامی راهش پر رهرو باد!

برگرفته از کتاب مرغان پرکشیده توفان، از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

در همبستگی بارضا شهابی و همه فعالین کارگری دربند «رضا شهابی را به عضویت افتخاری اتحادیه کارگری سوئد در آورید»

رضا شهابی را آزاد کنید!
Free Shahabi



در ادامه کارزار حمایت از کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی، اتحادیه سراسری کمونال سوئد با بیش از پانصد وسی هزار عضو بیانیه ای صادر نمود و خواهان آزادی فوری رضا شهابی و سایر فعالین کارگری گردید. این اتحادیه همچنین از حق تشکیل مستقل اتحادیه صنفی و آزادی بیان به دفاع برخاست. در همین رابطه یکی از فعالین اتحادیه کمونال و سازمان سراسری کارگری سوئد "ال او" گوران گوستاوسون، مطلبی در دفاع از رضا شهابی به رشته تحریر در آورد و خواستار اعطای عضویت افتخاری او در اتحادیه کمونال گردید. در زیر ترجمه فارسی این مطلب که در همبستگی با رضا شهابی و همه کارگران ایران که در نشریه و تارنمای این اتحادیه به چاپ رسید از نظر خوانندگان گرامی میگذرد.

" آنچه در سوئد بدست آورده ایم حاصل یک پیکار نیرومند جنبش سندیکایی بوده است. سندیکای آزاد شرط ضروری برای دفاع از مطالبات و حقوق دمکراتیک در همه جای جهان است. در ایران، سندیکاهای مستقل ممنوع هستند و آزادی بیان و حقوق پایه ای انسان محلی از اعراب ندارد و قدرت سیاسی در دست شورای نگهبان و آیت الله علی خامنه ای متمرکز است. چند ماهیست که آقای حسن روحانی بعنوان رئیس جمهور اسلامی ایران انتخاب شد. اما از عفو زندانیان سیاسی خبری نیست و مائشین اعدامها همچنان ادامه دارد. بیش از ۲۰۰ نفر در اخلال مدت کوتاه ریاست جمهوری آقای روحانی اعدام شدند. کارگران ایران در شرایط بسیار اسفناکی بسر می برند. بیکاری بیش از ۲۰ درصد است و استخدام موقتی امری معمولی و رایج در ایران است. بی حقوقی کامل و عدم دریافت حقوق معوقه در ماههای طولانی آنها در شرایط بحران اقتصادی که ناشی از سیاست نابخردانه ملاها و تحریم جهانی اقتصادیست، غیر قابل تحمل است.

در خلال اعتصاب اتوبوس رانان تهران در ۲۰۰۶، صدها خانواده کارگری بازداشت و مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار گرفتند. تمام اعضای هیئت مدیره سندیکای نیم علنی به زندان افتادند و رضا شهابی مسئول امور مالی سندیکا در اثر شکنجه با بدنی نیمه فلج در زندان گرفتار است. به یمن یک مبارزه بین المللی، بیشتر اعضای اتحادیه اتوبوسرانی بعد از چند سال حبس، آزاد شدند. آنچه امروز نیاز است این می باشد که با تشدید یک کمپین بین المللی رژیم را و دار به آزاد کردن رضا شهابی و سایر فعالین کارگری نمائیم. وضعیت سلامتی این زندانیان سیاسی بسیار وخیم است و رژیم از درمان و معالجه آنها در بیرون از زندان امتناع می ورزد. یحتمل همه زندانیان توان ادامه این همه مشقات و دوره باقی مانده حبس را ندارند. اتحادیه کمونال درکنگره اخیر خود از مبارزه کارگران ایران دفاع نمود و خواهان رهایی کارگران زندانی گردید. اما مبارزه ما باید فراتر از این رود و رضا شهابی را باید به عضویت افتخاری اتحادیه در آوریم و از همه سندیکا ها بخواهیم به همین طریق نسبت به برادران همکار خود فعال عمل نمایند.

سازمان سراسری "ال او" که اخیرا بیانیه ای برای خواست فوری کارگران ایران صادر کرده است، می تواند بیش از این اقدام کند و تمامی اتحادیه های سوئد را به دفاع از این خواست فراخواند. "ال او" می باید برای تحقق چنین خواستی در چهارچوب ILO، سازمان جهانی کارگری، به رژیم جمهوری اسلامی اولتیماتوم دهد."

<http://www.ka.se/index.cfm?c=108786>

آزادی فوری بی قید و شرط فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی!

دستچینی از چند گزارش کوتاه کارگری از سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

گزارشات کارگری زیر که توسط سندیکای فلزکار مکانیک به دفتر حزب ما ارسال شده است، بیانگر گوشه هایی از هزاران ظلم و ستمی است که بر کارگران ایران وارد میشود و علیرغم اینهمه سرکوب و حشیانه و بگیر و ببندهای ضد انسانی اما کارگران ایران همچنان به مبارزاتشان ادامه میدهند و برای کسب حقوق خود و همه محرومان جامعه میرزمند. با تشکر از زحمات سندیکای فلزکار مکانیک که اخبار و گزارشات کارگری را به ما ارسال میدارد.

انتظار ۹۰۰ کارگر بازنشسته مخابرات راه دور شیراز برای دریافت حق سنوات

«رقم سنوات بازنشستگان این کارخانه با توجه به میزان سوابق کاریشان از ۵ تا ۱۵ میلیون تومان است. در میان این کارگران بازنشسته، افرادی هم هستند که هنوز نتوانسته‌اند معوقات حقوقی چند ماه آخر فعالیت خود را از کارفرما دریافت کنند.» نماینده کارگران در کارخانه مخابرات راه دور شیراز اعلام کرد: ۹۰۰ نفر از کارگران این واحد تولیدی که از سال ۸۷ به مرور بازنشسته شده‌اند هنوز موفق به دریافت بخش اعظمی از سنوات پایان خدمت خود نشده‌اند. «غلامحسین بانسی» رئیس شورای اسلامی کار کارخانه مخابرات راه دور شیراز در این باره به ایلنا گفت: رقم سنوات بازنشستگان این کارخانه با توجه به میزان سوابق کاریشان از ۵ میلیون تومان تا ۱۵ میلیون تومان است.

او افزود: در میان این کارگران بازنشسته، افرادی هم هستند که هنوز نتوانسته‌اند معوقات حقوقی چند ماه آخر فعالیت خود را از کارفرما دریافت کنند. این کارگر با بیان اینکه بازنشستگی این کارگران با استفاده از قانون بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان آور، نوسازی صنایع و بازنشستگی عادی صورت گرفته است افزود: از کارگران قدیمی این واحد فقط ۳۰ کارگر باقی مانده‌اند که تا دو ماه آینده آنان نیز بازنشسته خواهند شد. این فعال کارگری در خصوص سرانجام کارخانه مخابرات راه دور شیراز گفت: بعد از آنکه این واحد از بخش دولتی مجدداً به بخش خصوصی واگذار شد، کارفرما با همکاری دولت سعی کرد با بازنشسته کردن کارگران مشمول، از مشکلات کارخانه کم کند.

بانسی در ادامه اظهار داشت: در حال حاضر این کارفرما در تلاش است با به دست گرفتن پروژه‌های جدید کاری زمینه اشتغال کارگران جدیدی را فراهم کند. او در خاتمه تعداد کارگران شاغل در این واحد را با کسر ۳۰ کارگر مشمول بازنشستگی حدود ۴۰ کارگر قرار دادی عنوان کرد و اظهار داشت: این تعداد کارگر هم اکنون در اجرای پروژه‌های نیمه تمام و کوچک با کارفرما همکاری می‌کنند.

تجمع اعتراضی ۱۰۰۰ کارگر معترض مخابرات روستایی مقابل ساختمان شرکت مخابرات ایران

صبح امروز (دوشنبه) بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگزاران مخابرات روستایی در اعتراض به اجرا نشدن مصوبه مجلس در خصوص استمرار بیمه و انعقاد قرارداد مستقیم کار، مقابل ساختمان شرکت مخابرات ایران تجمع کردند. به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگران معترض که به نمایندگی از ۹ هزار کارگزار مخابرات روستایی در سراسر کشور به تهران آمده‌اند، امروز با تجمع مقابل ساختمان شرکت مخابرات ایران خواستار اجرای بند ۶۲ از ردیف ۸۶ قانون بودجه سال ۹۲ شدند.

در بند ۸۶ قانون بودجه سال جاری آمده است: «صندوق تأمین اجتماعی موظف است کارگزاران و پیمانکاران حقیقی و افراد حقوقی و سایر افرادی که به عنوان کارگر یا تحت هر عنوان دیگری طرف قرارداد مخابرات روستایی می‌باشند، را پس از واریز حق بیمه سهم کارگر توسط کارگزار و پیمانکار (کارگر) و تا زمان فروش سهام مدیریتی براساس قانون تأمین اجتماعی و قانون کار تحت پوشش بیمه قرار دهند. حق بیمه سهم کارفرما تا سقف دو هزار و چهارصد میلیارد (۲۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) از محل ردیف ۷۴ ۵۵۰۰۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون تأمین می‌شود.»

وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و امور اقتصادی و دارایی، ملزم به رفع مشکلات اجرای بند (۶۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مرتبط با کارگزاران مخابرات روستایی بوده و شرکت متولی (شرکت مخابرات ایران) متعهد به استمرار بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران، پیمانکاران و کارگزاران روستایی طبق شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار می‌باشند.»

تعویق ۱۵ ماه حقوق بیش از ۱۰۰ کارگر آزمایش مرودشت

دبیر خانه کارگر شیراز از ۱۵ ماه تعویق حقوق بیش از ۱۰۰ کارگر کارخانه آزمایش مرودشت خبر داد و گفت: این واحد تولیدی از هشت ماه گذشته به طور کامل تعطیل شده است.

«علی راستگو» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارگران این کارخانه از خردادماه سال گذشته هیچ حقوقی دریافت نکرده‌اند و فقط یک ماه از معوقات آنان که مربوط به دی ماه سال گذشته است از محل فروش زایعات کارخانه پرداخت شده است. او با بیان اینکه پیش از تعطیلی کارخانه، کارگران به امید پرداخت حقوق‌های معوقه در کارخانه کار می‌کردند، افزود: علاوه بر تعویق ۱۵ ماه حقوق، سوابق بیمه‌ای این کارگران نیز دچار مشکل شده است به همین دلیل برخی از این کارگران که در شرف بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان آور هستند، امکان استفاده از بازنشستگی پیش از موعد را پیدا نکردند. راستگو در ادامه به سوابق کاری ۲۰ ساله کارگران اشاره کرد و در خصوص مستمری بیمه بیکاری کارگران گفت: متأسفانه بعد از گذشت ۸ ماه از تعطیلی کارخانه هنوز مستمری بیمه بیکاری این کارگران برقرار نشده است. دبیر خانه کارگر شیراز یکی از دلایل افزایش مشکلات کارخانه را ناشی از بدهی‌های سنگین مالی این واحد به تأمین اجتماعی، دارایی و شهرداری دانست و افزود: با وجود آنکه کارگران برای حل مشکل خود به ارگان‌های مختلفی مراجعه کرده‌اند اما پیگیری‌های آن‌ها نتیجه‌ای نداشته است.

وضعیت رضا شهابی عضو زندانی سندیکا

در هفته‌های گذشته شاهد آزاد شدن تعدادی از زندانیان سیاسی از زندانها بودیم. ماجرائی که موجی از خوشحالی را در بین خانواده‌های این زندانیان و فعالین سیاسی برانگیخت. فعالین کارگری می‌گویند گویا در این حیطة نیز زندانیان کارگری به مانند هم طبقه‌ای هایشان در خارج از زندان در صف آخر قرار دارند. روز گذشته سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طی اطلاعیه‌ای از وضعیت وخیم جسمی رضا شهابی، عضو زندانی هیئت مدیره سندیکا، و چگونگی اعزام وی به بیمارستان و بازگرداندن شدنش به زندان خبر داد. سندیکا در اطلاعیه خود خواستار آزادی وی شده است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه: رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که از سال ۸۹ به علت فعالیت‌های صنفی در زندان بسر می‌برد، امروز صبح حدود ساعت ده از زندان اوین به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شد و پس از گرفتن نوار عصبی از ناحیه کمر و پا در ساعت یک و بیست دقیقه بعد از ظهر به زندان اوین بازگردانده شد. نامبرده که حین بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود از ناحیه گردن و کمر دچار آسیب‌های جدی شد، بطوری که در بیمارستان امام خمینی مورد عمل جراحی شش ساعته قرار گرفت و بعد از عمل طبق توصیه پزشکان می‌بایست در خارج از زندان ادامه درمان می‌داد که این مسئله مورد تأیید مسئولین قضایی قرار نگرفت و نامبرده مجبور گردید با شرایط سخت زندان ادامه بهبودی خود را انجام دهد، که این بی‌توجهی مسئولین نسبت به ادامه مراقبت و درمان خارج از زندان آسیب‌های جدی به کمر و گردن نامبرده وارد کرده، ضمن ارزیابی سلامتی برای ایشان از مسئولین قضائی خواستار آزادی و رسیدگی فوری به این فعال کارگری را داریم.

گزارشی از یک کارگر فلزکار

شرکت خزر شیر ایران از سال ۱۳۷۸ در تولید فراورده‌های لینی در کشور فعالیت داشته است. شرکت مزبور دارای یک کارخانه و یک ساختمان چندطبقه‌ای در شمال کشور است. در این مجموعه ۱۵۰۰ کارگر و کارمند مشغول بکار بودند. چندین شرکت پخش در شهرهای بزرگ از جمله تهران، کرج، شیراز، مشهد، بندرعباس، مشغول پخش محصولات این شرکت. این شرکت از تاریخ ۱۳۹۲/۴/۱۲ تولیدات خود را قطع نموده و به دلیل این کار کارخانه بسته شده است. با توجه به اینکه دولت موافقت کرده بود که لینیات ۲۰ درصد گران شوند اما چون کارخانه دارها ۳۰ درصد می‌خواستند. به دلیل کمتر سود بردن کارخانه دارها آنها هم کارخانه را تعطیل و کارران را به امان خدا رها کرده‌اند. حالا بگذریم، ما با اینها کار نداریم ما با کارگرهایی که از کار بیکار شده‌اند کار داریم که از فردای خود بی‌خبرند. تا بحال که دغدغه ما سر حقوق‌هایمان بود (دیر کرد) و حالا هم که تعطیلی بدون اطلاع قبلی در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها باب شده است. لازم به ذکر است که مدیر کارخانه آقای فردوس رییس شرکت ماموت هم می‌باشد. باتشکر کارگر اخراجی شرکت خزر شیر ایران

کارگران پلی اکریل اصفهان قربانیان جدید داری نوین

۱۵۰۰ کارگر پلی اکریل اصفهان طی نامه‌ای اعتراضی نسبت به آنچه امنیت شغلی‌شان را به خطر می‌انداخت و با تجمع و اعلام خواسته‌ها ایشان که همگی در چارچوب قانون اساسی و قانون کار قرار دارد، خواستار توقف کوچک‌سازی و یا همان فروش کارگران به شرکتهای برده داری شده‌اند. با تحت اختیار قرار دادن کارگران به شرکت‌های تأمین‌کننده نیروی انسانی، قراردادهای

کاری کارگران پلی اکریل اصفهان تغییر خواهد کرد و امنیت شغلی شان به خطر خواهد افتاد. براساس سیاست کوچک سازی این کارخانه، مجموعه شرکتهای پلی اکریل ایران در حال واگذاری است و قرار است آزمایشگاه به شرکت «نیک آزمون»، نیروگاه به «انرژی گستران»، پلی استر به «پلی استر هشت بهشت»، اکلیت ۲ به «الیاف زاینده رود»، اسکه سازی به «شرکت خدمات بندری» و بخش خدمات نیز به شرکت «پهن گستر» انتقال یابد. کارگران به درستی دریافته اند با استخدام در این شرکت ها قراردادهای کاری شان تغییر خواهد کرد و مدیریت پلی اکریل در واقع با این حرکت کارگران را محکوم به بی حقوقی کامل کرده است.

مگر کارگران در نامه اعتراضی شان چه خواسته اند؟ آیا داشتن شورای اسلامی گناه و جرم است؟ آیا بررسی عملکرد مدیریت کارخانه و خواستار استعفای مدیریتی که قانون اساسی کشوری را زیر پا می گذارد، پاسخش دستگیری است؟ آیا بازگشت به کار تمامی کارگرانی که به واسطه فعالیت صنفی فسخ قرارداد شده اند، زندان است؟ آیا حمایت از کارگران همکاری که به ورطه بیکاری و گرسنگی پرتاب شده اند، مستوجب بازداشت است؟

متأسفانه سالهاست که ما ناظر زیر پا گذاشتن قانون اساسی از طرف مدیران بی مسولیت هستیم. مدیرانی که حتا کلمه ای از قانون اساسی را نخونده اند. اصل نهم قانون اساسی می گوید: «هیچ مقامی حق ندارد، بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند» و اصل ۲۷ قانون اساسی هم می گوید «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، بشرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». آقایان مدیران، قانون گفته است مخل به مبانی اسلام نباشد، نه مخل به سود آوری های غیر قانونی و دستورات ضد قانون اساسی که مستوجب دستگیری و زندان باشد.

آقایان مدیران برویدونگاهی به قانون اساسی ببینید که چقدر از قانون پرت هستید. در اصل ۴۳ قانون اساسی بند چهارم گفته شده: «رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری» آیا کارگران جز در چارچوب این قانون خواسته دیگری را مطرح کردند؟ شما می خواهید کارگران را به زور و ادار به گردن نهادن به شرکت های برده داری کنید و آنها نمی خواهند، جرم است؟

کارگران پلی اکریل با به نمایش گزاردن نظم کارگری خود در جریان دوهفته اعتراض و حتا رعایت حق کارفرما مبنی بر قطع نمودن تولید، شعور و آگاهی خود را نشان دادند تا هر گونه بهانه ای از مخالفان شان در زدن برچسب احتمالی «اغتشاش گر» که زمینه را برای فراموشی مطالبات صنفی فراهم می کند، تصمیم گرفته اند اعتراضات شان خللی در روند تولید کارخانه ایجاد نکند و شما هم با دستگیری «جواد لطفی»، «عباس حقیقی»، «کیومرث رحیمی» و «احمد صابری» قانون گریزی و عدم اطلاع از حقوق اساسی و شهروندی را به نمایش گذاشته اید.

تأسف و صد تأسف، کسانی که خود را نمایندگان کارگران می دانند و در نهادهای بین المللی همچون ILO هر ساله بر صندلی کارگران واقعی تکیه می زنند، در این روزها از مسولیت خود طفره می روند. به گزارش ایلنا «احمد رضا معینی مسول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان اصفهان به ایلنا می گوید: یک سال و نیم است که شورای اسلامی کار کارخانه پلی اکریل اصفهان منحل شده است و به همین دلیل کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان اصفهان در مورد کارگران این واحد صنفی هیچ مسولیتی نداشته و نمی تواند جوابگو باشد... در جریان بازداشت چهار کارگر این کارخانه نیستیم... به دلیل نزدیک شدن به هنگام نماز نمی توانم بیش از این پاسخگو باشم» و از ادامه گفتگو با خبرنگار ایلنا خودداری کرد. احمد معینی ها باید بگویند واقعا نماینده چه کسانی هستند؟

ما اعلام می کنیم «جواد لطفی»، «عباس حقیقی»، «کیومرث رحیمی» و «احمد صابری» تحت پوشش سندیکای کارگران فلز کار و مکانیک قرار دارند و چنانچه این چهار کارگر زحمتکش تا چند روز آینده آزاد نشوند و یا موارد اتهامی آنان مشخص نشود طبق اصل ۳۲ و ۳۷ قانون اساسی از کلیه دست اندر کاران این ماجرا شکایت کرده و دست به اقدامات لازم خواهد زد و از همه سندیکاهای کارگری می خواهد که به حمایت این کارگران حق جو بشتابند.

زنده باد پیکار متحد کارگران سراسر ایران علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد و اتحاد و همبستگی سراسری کارگران ایران علیه جمهوری اسلامی

در محکومیت حکم زندان وفا قادری

اطلاعیه زیر از کارگر مبارز دربند، رضا شهابی در همبستگی با وفا قادری کارگر نساجی و سایر کارگران زندانی انتشار یافته و حکم بیدادگاه جمهوری اسلامی برای ۵ ماه حبس تعزیری وفا قادری را محکوم کرده است. رژیم سرمایه داری و ضد کارگری جمهوری اسلامی که مرگش را در تشکلات مستقل کارگری، اتحاد و همبستگی طبقاتی و آگاهی کارگران می بیند مذبحخانه تلاش میکند با فشارهای جسمی و روحی و در تنگنا قراردادن اقتصادی بر خانواده آنها مقاومتشان را در هم شکنند تا بلکه مانع رشد و گسترش و هرگونه تشکل یابی کارگران این آفرینندگان ثروت جامعه گردد. اما، این تلاشها بیهوده است، چنین شرایطی موقتی است و نمی تواند ماندگار باشد. مبارزه کارگران ایران نزدیک به دو قرن است که در اشکال متنوع ادامه دارد و شاهد بودیم که سرانجام همین کارگران قهرمان صنعت نفت بودند که در انقلاب بهمن ۵۷ با اعتصاب درخشان خود کمر رژیم منفور پهلوی را شکستند و در براندازی او نقش تعیین کننده ای ایفا نمودند. هراس رژیم سرمایه داری اسلامی از کارگران ایران بی دلیل نیست اواز همبستگی، اتحاد و تشکیلات کارگران ایران وحشت دارد و از همین رو برای بقای منحوسش دست به هر جنایتی می زند. اطلاعیه رضا شهابی در همبستگی با کارگر زندانی وفا قادری تحسین برانگیز است و مایه دلگرمی همه کارگران ایران در پیکار با رژیم کارگرسنیز سرمایه داری جمهوری اسلامیست. درود بر رضا شهابی و همه کارگران دربند!

زنده باد همبستگی و پیکار متحد سراسری همه کارگران ایران علیه رژیم ضد کارگری سرمایه داری جمهوری اسلامی!

رضا شهابی جمعه ۲۴ آبان ۱۳۹۲



با خبر شدم روز شنبه ۱۱ آبان ماه ۹۲، وفا قادری به زندان مرکزی سنندج منتقل شده است. این کارگر نساجی و فعال کارگری عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در یک دادگاه ناعادلانه و به دلایل واهی به ۵ ماه حبس تعزیری محکوم شده است. این کارگر نام آشنای جنبش کارگری سالهای متمادی در راستای منافع هم طبقه ای هایش شبانه روز تلاش کرده است و به همین دلیل بارها مورد تهدید و غضب مسئولین امنیتی قرار گرفته است. این کارگر نساجی شین بافت در جهت منافع کارگران و کمک به خانواده های کارگران زندانی با وجود داشتن مشکلات زیاد همیشه پیش قدم بوده است. من ضمن محکوم کردن زندانی شدن مجدد این کارگر زحمت کش خواستار آزادی بی قید و شرط وفا قادری، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، پدرام نصراللهی، بهنام ابراهیم زاده، رسول بداغی و عبدالرضا قنبری هستم.

زندان اوین - بند ۳۵۰

رضا شهابی زکریا - کارگر زندانی عضو هیات مدیره

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۸/۸/۱۳۹۲

گشت و گذاری در فیسبوک

- پرسش و پاسخی پیرامون رویزیونیسم و احیای سرمایه داری در شوروی
- «بیانیه های حزب با کدام هدف انتشار می یابند؟»

بنال انتشار مقاله رویزیونیسم دشمن طبقه کارگر و بت عیار است از توفان شماره ۱۶۴ ارگان مرکزی حزب کار ایران آبان ماه ۱۳۹۲ سئوالاتی در صفحه فیسبوک توفان طرح گردید و موجب بحثی در این زمینه شد. پاسخ حزب به این سئوالات که بیشتر جنبه آموزشی دارد از نظر خوانندگان گرامی میگذرد

رفیقی چنین سوال طرح نمود.... "رفقای حزب کار ایران (توفان) .. ضمن تایید رفیق استالین به عنوان آموزگار کبیر پرولتاریا و پیگیر و خستگی ناپذیر در مبارزه بی امانش با رویزیونیسم ، مسئله زیر مطرح میگردد :

میدانیم که اصولا مبارزه انقلابی طبقاتی پرولتاریا (با نمایندگی حزب کمونیست) با بورژوازی در تمام عرصه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، ادبیات و هنر ، زیبایی شناسی و ... باید با شرکت و حضور فعال و حمایت وسیع ترین بخش های توده ها انجام گیرد .. کمونیست های مومن و وفادار یه مارکسیسم لنینیسم باید مبارزه با رویزیونیسم را ضمن ارتباط تنگاتنگ با توده ها به پائین ترین بخش های توده ها بکشانند .. مبارزه با رویزیونیسم تحت رهبری حزب کمونیست باید در روح توده ها ریشه دواند. میکرب های رویزیونیسم باید بکمک توده ها (چه توده های حزبی و چه توده های غیر حزبی) و تحت رهبری حزب کمونیست شناسایی گردند و مبتنی بر مشی توده ای ، و حرکت از توده ها به توده ها نابود گردند ... اما چنانچه مبارزه با رویزیونیسم بدون حرکت از کانال توده ها و بدون پشتوانه فعال و مستحکم توده ها علیرغم شناخت علمی و مارکسیستی رویزیونیست ها توسط پیشرو ترین کادر رهبری حزب کمونیست انجام گیرد تضمینی برای نابودی میکرب های رویزیونیستی مشخص و شناخته شده فوق نیست .. انتقادی که از طرف بخشی از کمونیست های جهان به رفیق استالین می شود اینست که

رفیق استالین رویزیونیست ها را به خوبی می شناخت و خوبی هم با آنها برخورد می کرد اما برخورد رفیق استالین با آنها از موضع بالا بوده است نه از موضع پائین نه از موضع حرکت از توده ها به توده ها ..

و درست به همین جهت بسیاری از اپورتونیست ها و رویزیونیست ها از ترس اینکه مبادا شناسایی و مجازات شوند ، در حزب کمونیست بلشویک اتحاد شوروی مخفی ماندند و همین اشخاص پس از درگذشت رفیق استالین قد علم کردند و نهایتا تحت رهبری خروشف تمام قدرت حزبی و دولتی را قبضه کردند بنابراین این مسئله مطرح می شود که تنها شناختن رویزیونیسم به تنهایی کافی نیست بلکه نحوه برخورد مبارزه با رویزیونیسم هم بسیار جدی و پر اهمیت است نظر شما چیست ؟ دست شما را صمیمانه می فشارم"

پاسخ : رفیق گرامی پیروزیهای عظیم سی و چند ساله حزب کمونیست شوروی به رهبری رفیق استالین چه در بنای ساختمان سوسیالیسم، چه در عرصه فرهنگی و هنری و ورزشی و علمی، چه در نبرد علیه دشمنان داخلی و چه در پیکار عظیم علیه تجاوز نازیسم به میهن سوسیالیستی بدون پیوند با میلیونها کارگر و دهقان و توده عظیم شوروی امکان نداشت. اینهمه پیروزی حاصل فرمان خشک و خالی یک رهبری بریده از توده ها نبود. پیروزی بر ترسکیستنها و دشمنان طبقه کارگر تحت " فرامین و دستورات " بدون پشتوانه توده ای امکان نداشت.....

سئوال شما این است چه کمبودها و ضعفهایی وجود داشت که می توانست برطرف گردند اما چنین نشد. ترسکی و بوخارین آگاهانه و علنا مخالف دولت و خط و مشی حزب کمونیست بلشویک شوروی بودند. ابتدا بصورت آشکار و سپس پنهان فعالیت می کردند. آنها در واقع معرف هیچ نیروی اجتماعی در جامعه شوروی نبودند. از این رو مبارزه با این گروه با موفقیت کامل انجام گرفت و دشمنان سوسیالیسم که با عبارت پردازیهای روشنفکرانه سعی در اخلاص ساختمان نوین داشتند در عرصه تئوری و عمل طرد و منزوی گردیدند. اما در مقابل، خروشچف معرف یک نیروی اجتماعی بود. نیروی بنام بوروکراسی. او از منافع آنان دفاع میکرد و دیگر اینکه خروشچف در اپوزیسیون و مخالفت با حزب نبود. ظهور خروشچف در شوروی امری تصادفی نبود بلکه محصول جامعه ای است که در آن با وجود طبقات کارگر و دهقان و روشنفکر و باوجود اختلاف زندگی مادی اهالی و تا قیل از مرحله کمونیسم همواره امکان احیای چنین محصولی وجود دارد . استالین در کنگره نوزده حزب در سال ۱۹۵۲ که آخرین کنگره ای بود که او در آن شرکت داشت به تظاهر انحطاط معنوی و پوسیدگی در یک سلسله از سازمانهای حزب شدیدا انتقاد کرد و گفت که " برخی از رهبران سازمانهای حزبی این سازمانها را به خانواده و کسان خود تبدیل کرده و منافع گروهی خود را مافوق منافع حزبی قرار داده اند. اسناد گنگره ۱۹ نشان میدهد که استالین بر علیه نارسائیهای درون حزب به اهمیت تشدید مبارزه فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی و بر علیه سمومات و تفکرات بورژوائی تاکید ورزید. رفیق استالین بر مبارزه فرهنگی و ایدئولوژیکی ، انتقاد و انتقاد از خود و بطور کلی بر شور و شوق و تحول روحیه توده ها تکیه کرد و راه برون رفت از وضعیت موجود و فائق آمدن بر ضعفها و کمبودها را تشدید مبارزه فرهنگی و سیاسی و ایدئولوژیکی بر شمرد. خروشچف و دارودسته او در مقابل اتوریته استالین و رفقای وفادار او ناچار به عقب نشینی شد . اما با درگذشت استالین ، خروشچف و دار و دسته او بتدریج و با طرح " کیش شخصیت " او ، گام به گام قدرت را در اتحاد شوروی بدست گرفتند. رویزیونیستها آنچه را که بوروکراسی می خواست به او دادند و در نهایت بوروکراتها از حالت یک قشر

بوروکراتیک تبدیل به یک طبقه حاکم بورژوا گردیدند. بدین ترتیب آنجا که ترسکیستها، کولاکها و فاشیستهای آلمانی و ایتالیایی موفق نشدند، خروشچف شد و از درون دژ سوسیالیسم را تسخیر کرد و احیای سرمایه داری از همینجا آغاز گردید. درس آموزی از نخستین تجربه ساختمان سوسیالیسم و نبرد قهرمانانه بلشویکها که پیروزیهای عظیمی آفریدند و جهان را تکان دادند، بسیار با اهمیت است. همینطور در مورد احیای سرمایه داری در چین. اشتباهات و ضعفهای رفیق استالین در مقابل خدمات عظیمش نا چیز است. کمون پاریس دو ماه دوام آورد. شوروی سوسیالیستی به رهبری استالین بیش از سی سال. با درس آموزی صحیح از این تجربه عظیم ساختمان سوسیالیسم است که می توانیم با تکیه به اندیشه همیشه جوان مارکسیسم لنینیسم و دستاوردهای بیش از ۱۵۰ سال جنبش کمونیستی به پیشروی ادامه دهیم. آنچه رفیق استالین رهبر حزب بلشویک شوروی در توان داشت در قبال طبقه کارگر شوروی و جهان دریغ نورزید و تا آخرین روزهای عمرش بعنوان شاگرد وفادار لنین به مارکسیسم لنینیسم وفادار ماند. باید تاکید داشت که بلشویکهای شوروی راههای ناپیموده را میرفتند و قبل از آن هیچ کشور سوسیالیستی (منهای کمون پاریس که کمونیستها فقط دوماه قدرت دولتی را در دست داشتند) در جهان وجود نداشت. بنابراین آنان هیچ گونه تجربه ای نداشتند که روشنگر راه آنها باشد. از این رو بلشویکها نمی توانستند بدرستی همه چیز را پیش بینی کنند. معمولا بعد از پروسه کامل اتفاقات است که اشکالات خود را نشان میدهد. ما نمی دانیم اگر کارل مارکس بجای استالین بود چه پاسخی برای سئوالات آنزمان داشت؟ اما می دانیم که خود مارکس هدایت کننده کمون پاریس بود و کمون پاریس به رغم چنین متفکرانی شکست خورد، شکستی که با تجربه اندوزی از آن به مادر پیروزی و سی سال ساختمان پیروزمند سوسیالیسم تبدیل شد. باید از شکستها آموخت تا به پیروزیهای بیشتری نائل آئیم.

پاسخ به یک نامه در مورد بیانیه های حزب

۲- «بیانیه های حزب با کدام هدف انتشار می یابند؟»

نامه زیر توسط رفیقی در مورد بیانیه حزب پیرامون سالگرد انقلاب اکتبر شوروی در صفحه فیسبوک بطور علنی انتشار یافته و حزب پاسخ زیرا را در همان صفحه در اختیار عموم قرار داده است. اینک اصل نامه و پاسخ بدان را در زیر ملاحظه فرمائید:

«رفقای حزب کار ایران (توفان) با درود بر شما خط مشی عمومی ایدئولوژیک - سیاسی شما در مبارزه با امپریالیسم امریکا (بمثابه امپریالیسم مسلط بر جهان) و جمهوری اسلامی روشن و قابل تحسین است .. در مورد ایام بزرگ تاریخی مانند سالگرد انقلاب اکتبر ، روز جهانی کارگر و .. بیانیه های ارزشمندی هم منتشر می کنید .. این مطالبی را که شما مطرح می کنید جنبه کلی برای هر مارکسیست لنینیست دارد اما در جنبش کمونیستی ایران مسائل و معضلاتی وجود دارد که بی توجهی به آنها مشکلات عظیمی بوجود آورده است من باب مثال می توانم از بسیاری از کمونیست های جوانی در ایران یاد کنم که همه مطالب کلی را که شما مطرح می کنید تایید می کنند اما از طرف دیگر عملا حرکت هایی از آنها سر می زند که ۱۸۰ درجه با تحلیل ها و نقطه نظر های شما که مورد تایید آنها هم هست مغایرت دارد من در اینجا یک مثال روشن و مشخص می آورم تا مسئله مورد نظر کاملا باز شود : همین کمونیست های جوان ایران مارکس ، انگلس ، لنین و رفیق استالین را به عنوان آموزگاران بزرگ پرولتاریا می پذیرند و خود را پرچمدار مارکسیسم لنینیسم در ایران می دانند . اما از طرف دیگر از رفیق مسعود احمد زاده و رفیق بیژن جزنی بعنوان مارکسیست لنینیست های واقعی و کبیر ایران هم یاد می کنند .. این رفقای کمونیست جوان ایران اصلا به نظریه انحرافی مبارزه مسلحانه جدا از توه ها که توسط جزنی و بویژه احمد زاده مطرح و تقدیس شده اند توجهی ندارند این رفقای کمونیست جوان با وجود آنکه رفیق استالین برایشان بسیار محبوب است اما نسبت به رفیق امیر پرویز پویان دچار کیش شخصیت هستند و نمی توانند تشخیص دهند که تئوری رد بقای پویان که حاوی واژی پردازی های دست و پا شکسته مارکسیستی و کاملا بدور از جنبش بین المللی کمونیستی است ، هیچ ارتباطی با مارکسیسم لنینیسم ندارد رفقا ... ضمن تقدیر و سپاسگذاری از زحمات ارزشمندتان از شما تقاضا می کنم بخش مهمی از نیروی خود را روی مسائل مشخص جنبش کمونیستی ایران بگذارید اینکه شما فقط به مسائل تئوریک کلی جنبش جهانی کمونیستی پردازی و مسائل و پیچیدگی های مشخص جنبش کمونیستی فعلی ایران را مسکوت بگذارید گرهی از مشکلات ما را باز نمی کند ... با سپاس فراوان ... »

پاسخ: درود بر شما . بسیار مسروریم که مقالات و بیانیه های حزب ما را بدقت مورد مطالعه قرار میدید و به بحث و گفتگو می پردازید. با وجود محدودیت در صفحه فیسبوک مختصرا به سئوال شما پاسخ میدهم. هدف ما از انتشار بیانیه بمناسبتهای مختلف بخاطر خالی نبودن عریضه و سیاه کردن صفحه کاغذ نیست. بیانیه ها و مقالاتی که بی ارتباط به سئوالات اساسی امروزی باشد و خط دهند نباشد، انتشار نیابند بهتر است. برای حزب ما انقلاب اکتبر فرصتی است تا چند مبانی اساسی مارکسیسم لنینیسم را مجددا مورد تاکید قرار دهیم، از جمله نکات زیر را:

- **تجربه ای انقلاب سوسیالیستی اکتبر و لنینیسم** نشان داد که بدون حزب مارکسیستی - لنینیستی که در نبردهای طبقاتی برضد ارتجاع، بورژوازی، امپریالیسم و فرصت طلبان رنکارنگ آبدیده شده باشد، بدون حزب کمونیستی که ستاد رهبری انقلاب توده های زحمتکش باشد نمی توان امر رهائی پرولتاریا و سایر اقشار تحت ستم را از زیر هرگونه یوغی به سرانجام رسانید، و از پیچ و خمها و دامهای

دشمنان انقلاب رهائی جست. حزبیت و کسب قدرت سیاسی نخستین مسئله انقلاب سوسیالیستی است که این روزها توسط طیف های رنگارنگ در قالب آنارکوسندیکالیسم و اکونومیسم تکفیر میشود و با توسل به همین ایده انحرافی می خواهند به علل بروز رویزیونیسم و احیای سرمایه داری در کشور شوروی بپردازند. مشکل این جریانها دیگر استالین نیست، بلکه خود لنین است که از ضرورت حزب نوین، حزبی واحد و یکپارچه و فاقد فراقسیون سخن گفته که باید طبقه کارگر را رهبری کند. نتیجه اینکه اغلب این جریانات نظریه لنینی حزب را به زیر علامت سؤال برده و شعار زنده باد بی حزبی پرچم شان است..... بنابراین ما موظفیم به مسئله مهم حزب و حزبیت و کسب قدرت سیاسی بپردازیم و پرده از چهره کسانی که در پشت "مارکس و مارکسیسم" پنهان شده اند امابه لنینیسم، این مارکسیسم خلاق در عصر امپریالیسم فحاشی میکنند برداریم تا سره از ناسره روشن شود.

- **انقلاب اکتبر نشان داد** که بدون اعمال قهر نمی توان قدرت سیاسی و حکومت را به تصرف درآورد. لنین به درستی خاطر نشان ساخت "طبقه ای اسیری که نخواهد اسلحه به دست گیرد و به کاربردن آن را بیاموزد، چنین طبقه ای اسیری فقط شایسته ای آنست که با وی مانند بردگان عمل شود." از این رو قهری انقلابی و توده ای و نقشه مند به رهبری حزب پرولتاریا و درهم شکستن نظام سرمایه داری، یکی دیگر از درس های مهم و کلیدی انقلاب سوسیالیستی اکتبر است. حزب ما مبارزه جریکی جدا از توده مردم را از همان پیدایش جنبش مسلحانه شهری مورد نقد همه جانبه قرارداد، در عین حال که از شجاعت و فداکاری بی نظیر این رفقای جان برکف سر تعظیم فرود آورد و با احترام از آنها سخن گفت اما در عین حال از هیچ کوششی از نقد این مشی انحرافی چپ دریغ نکرد و با انتشار چندین کتاب و دهها مقاله تحلیلی، روشنفکران انقلابی را به حزبیت و کار پیگیر و صبورانه سیاسی و سازماندهی کارگران و زحمتکشان دعوت نمود. این کتب ارزشمند را می توانید از طریق روابط خارجی حزب و یا میز کتابهای فعالین حزب تهیه کنید. به باور ما اکنون مشی چریکی در ایران موضوعیتی ندارد ولی درس گیری از شکست این مشی غیر پرولتری در عرصه ایران و سایر کشورها می تواند آموزنده باشد. انقلاب کار توده هاست و مبارزه مسلحانه توده ای تحت رهبری حزب سیاسی درسهای مهم انقلابات اکتبر شوروی و چین و.... می باشد.

- **نکته مهم دیگر** که در بیانیه های حزب بدان تاکید میکنیم این است که مضمون اصلی سوسیالیسم یعنی دیکتاتوری پرولتاریا بر طبقات سرنگون شده و کوشش های جان سختانه ای آنان و به ثمر رسانیدن گذار جامعه سوسیالیستی به کمونیسم می باشد. امروز شعار شورا ها و ضدیت با حزبیت مد روز شده است. این محافل به دیکتاتوری پرولتاریا که شورا یکی از اشکال آن تحت رهبری حزب پرولتاریاست باور ندارند به تکرار شعارهای اپوزیسیون کارگری روسیه که لنین جواب دندان شکنی به آنها داده بود می پردازند. لذا وظیفه حزب ماست که به رابطه حزب و شورا بپردازد و تاکنون چندین مقاله و سخنرانیهای متعددی در این مورد صورت گرفته تا راهگشای جوانان انقلابی و پویندگان راه طبقه کارگر باشد.

- **موضوع احیای سرمایه داری در شوروی** هنوز داغ است و به این زودیاها پایان نمی گیرد. آنچه ما تاکید کرده و میکنیم این است که سوسیالیسم یک دوره گذار است و اگر ماهیت رهبری سیاسی حزب و دولت تغییر کند جامعه به عقب بر میگردد. دیکتاتوری پرولتاریا تضمین کننده این پیروزی و ادامه این پیروزی برای نیل به جامعه کمونیستی است. پس از مرگ رفیق استالین و کودتای رویزیونیست های خروشچی، اینان کمونیست های بلشویک را در سراسر حزب منفرد و نابود گردانیدند، بر دیکتاتوری پرولتاریا این آموزش حیاتی مارکسیسم - لنینیسم با بیشرمی و وقاحت خط بطلان کشیدند، آن را با "حزب همه خلقی" و "دولت همه خلقی" جانشین ساختند. تجدید نظر در اصول مارکسیسم - لنینیسم و با به دست گرفتن قدرت سیاسی توسط رویزیونیست ها، نشان داد که مبارزه ی طبقاتی بورژوازی منکوب شده، علیه سوسیالیسم نه تنها پایان نیافته بلکه در اشکال نوین خود شدید تر، ظریف تر، محیلانه تر نیز می گردد، نشان داد که پرولتاریا هنوز در اوان انقلابات پرولتری سوسیالیستی گام بر می دارد و امکان برگشت به عقب و احیای سرمایه داری وجود دارد.... رفیق عزیز، اینها نکات مهمی از بیانیه های حزب به مناسبت اول ماه مه و یا انقلاب اکتبر و.... می باشد که منطبق با نیازهای روز و برای تقویت کمونیستها و مبارزه علیه منحرفین رنگارنگ تنظیم و منتشر می شوند. تنها راه مقابله با این اوضاع بلشوی کنونی و انحرافات رنگارنگ تقویت سنگر لنینیسم، دفاع از انقلاب کبیر اکتبر شوروی و دست آورده های عظیم آن، دفاع از سی سال ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری رفیق استالین و تبلیغ حزبیت و حزب واحد لنینی است که می تواند راهگشا باشد تا با نیروی متحد بتوان بر معضلات کنونی غلبه کرد. پیروز و سربلند باشید

زنده باد لنینیسم، تئوری و تاکتیک پرولتاریا در عصر امپریالیسم!

توفان شماره ۱۶۵ آذر ماه ۱۳۹۲
ارگان مرکزی
حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

یارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * اتحاد دوستی جوانان بریتانیا - شوروی ۱۹۴۲
- * آموزش در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولزین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل
ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه میکنیم



آدرس سایتها ووبلاگهای مرتبط با حزب

- www.toufan.org
- /http://www.kargareagah.blogspot.com
- /http://kanonezi.blogspot.com
- <http://rahetoufan67.blogspot.com>
- سایت کتابخانه اینترنتی توفان
- <http://toufan.org/ketabkane.htm>
- سایت آرشیو نشریات توفان
- http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm
- توفان در توئیتر
- <https://twitter.com/toufanhezbkar>
- توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی
- <https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=t>
- توفان در فیسبوک
- <https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!